

۵۷ - ۱۴۲

فرهنگ بازیهای محلی ایلام

جلد ۱

آیت محمدی (نم.)

و

فاطمه محمدی

انتشارات آریو جان

۱۳۹۵

سرشناسه	: محمدی، آیت الله، ۱۳۴۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: فرهنگ بازیهای محلی ایلام / مولف آیت محمدی (کلهر)، [فاطمه محمدی].
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات آریو جان، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۳ ج.: مصور (بخشی رنگی).
شابک	: دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۰۱-۶۲-۵؛ ج. ۱: 978-600-7901-59-5؛ ج. ۲: 978-600-7901-60-1؛ ج. ۳: 978-600-7901-60-1
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: چاپ قبلی: نشر سمیرا، ۱۳۸۳.
موضوع	: بازی ها -- ایران -- ایلام (استان)
موضوع	: Games -- Iran -- Ilam (Province)
موضوع	: بازی های نمایشی -- ایران -- ایلام (استان)
موضوع	: Play-party -- Iran -- Ilam (Province)
شناسه افزوده	: محمدی، فاطمه، ۱۳۵۴ -
رده بندی کنگره	: GV۴۸۸/۱۰۴/۱۳۹۵ ف ۴
رده بندی دیویی	: ۷۹۰/۰۹۵۵۴۵ - شماره کتبشناسی: ۴۲۸۳۹۲۹

انتشارات آریو جان

Pub. ARYVHAN

نام کتاب : فرهنگ بازیهای محلی ایلام - جلد ۱

مؤلف : آیت محمدی (کلهر)

ناشر : انتشارات آریو جان

شمارگان : ۱۰۰۰

نوبت چاپ : اول : ۱۳۹۵

بها دوره سه جلدی : ۳۲۰۰۰۰ ریال

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۰۱-۶۲-۵

شابک جلد ۱: ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۰۱-۵۹-۵

فهرست

پیشگفتار

- ۱- نازوو بیوه (AzaW biwa)..... ۳۴
- ۲- ناسمانه گه د چه توره (ASeManagad)..... ۳۶
- ۳- نه لش مه لش (۱) (ELIS MaLIS - EleS MaLeS)..... ۶
- ۴- نه لش مه لش (۲) (ELIS MaLIS - EleS MaLeS)..... ۱۰
- ۵- نه که ارته (نارنج و ترنج) aka autan ۱۲
- ۶- نه وه نه عه لی به تاله awaz ali bataLah ۱۵
- ۷- په لان دال په لان پلان (PaLan)..... ۱۷
- ۸- په رین په رین (parin parin)..... ۲۱
- ۹- تناف کیشان (tina f'kisan)..... ۲۳
- ۱۰- تی کا جفت (تیک یا...) (tik cP)..... ۲۵
- ۱۱- تی ره نازی (tira nazi)..... ۲۷
- ۱۲- تیرمو تیرمو (tiremu tiremu)..... ۲۸
- ۱۳- ته تره (tatara)..... ۳۰
- ۱۴- تووپه شرگه (topa sIrega)..... ۳۲
- ۱۵- تووپان (گوان) (۱) towpan(guan)..... ۳۴
- ۱۶- ته ی ته ی (تتی) (Tey Tey)..... ۳۶
- ۱۷- خا جه نگه کی (Xace eki)..... ۳۸
- ۱۸- خه ر په ر (Xar par)..... ۴۰
- ۱۹- خاکله موشان (۱) (XakeLa muysan)..... ۴۲
- ۲۰- خاکله موشان (۲) (چال چال) (XakeLa muysan)..... ۴۴
- ۲۱- خه ریل مه تیکان (xar matikan)..... ۴۶
- ۲۲- جونز جونز (conIZ conIZ)..... ۴۹

- ۵۲.....۲۳- جووزان (۱) cwzan
- ۵۴.....۲۴- جووزان (۲) cwzan
- ۵۶.....۲۵- جلیته رووانه کی ceLita rowanaki
- ۵۷.....۲۶- چو چو (چوب چوب) (CU CU)
- ۵۹.....۲۷- چوو چوو (معما) (Cawu cawu)
- ۶۲.....۲۸- چالان (caLan)
- ۶۴.....۲۹- چو چه اه کی (cu caLaky)
- ۶۶.....۳۰- چو چزان (CU Clzan)
- ۶۸.....۳۱- چزان (۱) Clzan
- ۷۱.....۳۲- چزان (۲) Clzan
- ۷۲.....۳۳- چو چه لان (CU Clan)
- ۷۴.....۳۴- چو چه نگ (CU Cang)
- ۷۶.....۳۵- چه چه گه مه چم (hacagaaclm)
- ۷۸.....۳۶- زووران (zuran)
- ۸۰.....۳۷- زه ره مشته کی (پر قوچ) (zoramIstaki)
- ۸۲.....۳۸- زوور مله کی (خون مله کی، مله چه ره کی) zur mILaki-xun mILaki
- ۸۴.....۳۹- زه ران (zaran)
- ۸۹.....۴۰- زوور مچ (zurmlc)
- ۹۱.....۴۱- دا وانه کی هی هی که رم (dawanagay he he karlm)
- ۹۴.....۴۲- ده سه که نه چم (DasaganacIm)
- ۹۶.....۴۳- دوزان (Duzan)
- ۹۸.....۴۴- ده م خله تنه (Dam xILatlna)

- ۴۵- ده قله (DaQILe)..... ۱۰۰
- ۴۶- سولان (۱) (suLan)..... ۱۰۱
- ۴۷- سولان (۲) (suLan)..... ۱۰۳
- ۴۸- سوار سوار سوار (SIWar SIWar)..... ۱۰۵
- ۴۹- سان گل (تانجگه و گل گلی) (SangIL)..... ۱۰۷
- ۵۰- سی قره قووم قووم (Si Qara Qum Qum)..... ۱۰۸
- ۵۱- سکی سکی (سوک سوک) (slksIk-suksuk)..... ۱۱۰
- ۵۲- شه زبیره کی (sawaziraki)..... ۱۱۲
- ۵۳- شان جه نگه که (sanca a. i)..... ۱۱۶
- ۵۴- شلی ملی (shLi mLi)..... ۱۱۸
- ۵۵- شه قارته وازی (saqarta wari)..... ۱۲۰
- ۵۶- شتره لووان (نه شتره لووان = اشته لووان) (sltra LIwan)..... ۱۲۲
- ۵۷- کلاو رووان (klLaw Rowanaki)..... ۱۲۵
- ۵۸- کلاو کلاو (klLaw klLaw)..... ۱۲۹
- ۵۹- که شکولان (که شکه لان) (kas. c. a. -kaskaLan)..... ۱۳۱
- ۶۰- کوول کووله کی (kuL kuLaki)..... ۱۳۳
- ۶۱- کوتران (kutran)..... ۱۳۵
- ۶۲- کی رگه کراژو (kiyraga karaJo)..... ۱۳۷
- ۶۳- کوچگ سوره کی (زه رزه ره مو) (kuelg swlraki)..... ۱۴۰
- ۶۴- کوواو کوواو (kuwaw kuwaw)..... ۱۴۲
- ۶۵- کپو (kepw)..... ۱۴۴
- ۶۶- گا گورمچ (قاو گورمچ) (Ga gurmIc-Qaw gurmIc)..... ۱۴۶
- ۶۷- گاوی هلیلی (GAWY hILcLi)..... ۱۴۸
- ۶۸- گه ل واز (GaL Waz)..... ۱۵۰

- ۶۹- گوان (۲) (Gwan) ۱۵۲
- ۷۰- گوتان (۲) (Gutan) ۱۵۴
- ۷۱- ق اوان (Qawan) ۱۵۶
- ۷۲- قلا فر (QILaflr) ۱۵۸
- ۷۳- قوم چه (Qumca) ۱۶۱
- ۷۴- قولان (۱) (QuLan) ۱۶۳
- ۷۵- قولان (۲) (QuLan) ۱۶۹
- ۷۶- قی دیواری (Qay diwari) ۱۷۱
- ۷۷- لنگران (Langran) ۱۷۳
- ۷۸- لی سان (Lisan) ۱۷۵
- ۷۹- له به ی له به ی (Laba Laba) ۱۷۷
- ۸۰- ماله کان (ماله کین) (malakan) ۱۸۰
- ۸۱- مژه توقه (meja toqa) ۱۸۲
- ۸۲- میتان (mitan) ۱۸۳
- ۸۳- نی سواری (Nay siwari) ۱۸۶
- ۸۴- وه فر جه نگ (برف بازی) (WafIrca?) ۱۸۸
- ۸۵- وه سه ت وه سه ت (Wasat Wasat) ۱۸۹
- ۸۶- هلادای ملادای (HILaday miLaday) ۱۹۲
- ۸۷- هاله قووم قووم (HaLa Qum Qum) ۱۹۵
- ۸۸- های هوی (Hay Huy) ۱۹۷
- ۸۹- هشار هشاره کی (خومان نه و شاره کی) ۱۹۹
- (Hisar Hisaraki-Xoman ew saraki)
- ۹۰- هاله خش خش (خالگه خش) (HaLa xIs xIsi) ۲۰۱

- ۹۱- هه ره کان مه ره کان (Harakan marakan) ۲۰۳
- ۹۲- هه ره زان (Harazan) ۲۰۵
- ۹۳- هی وه ری کاوه ری (Hevari kawari) ۲۰۷
- ۹۴- هه ته ته تووته مه تل (Hatata tuta matataL) ۲۰۹
- ۹۵- هه فسان (هفت سنگ) (Hfsan) ۲۱۲
- ۹۶- هویلی کان وازی (HuLikan) ۲۱۵
- ۹۷- هه ته ل مه ته ل (HataL mataL) ۲۱۷
- ۹۸- هور مور (HeLur meLur) ۲۱۹
- ۹۹- یه کله رم (Ya LurIm) ۲۲۲
- ۱۰۰- ی گه نم د گه نم (Ya ganIm DI ganIm) ۲۲۴

پیشگفتار

استان ایلام، از دیرباز محل سکونت اقوام مختلفی بوده که با توجه به موقعیت جغرافیایی آن، هر از چندگاه، در دوره‌های مختلف تاریخی، مورد هجوم اقوام و دولت‌های مقتدر قرار گرفته، که این حملات هر کدام به نحوی در فرهنگ مردمان این دیار، تأثیر به سزایی از خود به جای گذاشته‌اند.

گوته، کاسی‌ها، عیلامی‌ها، الیپی‌ها، و... از جمله اقوام اولیه‌ی تاریخ بودند، که این منطقه را جزو قلمرو حکومتی خود درآوردند، و هر کدام به نوبت یکی پس از دیگری منطقه را تحت سلطه و نفوذ خود در می‌آوردند. آثار و بقایای مختلفی از این دوران‌ها تاکنون در سطح استان پدید آمده، که نشان از اثرگذاری آن اقوام و حکومت‌های مهاجم بر منطقه دارند.

تهاجمات و مهاجرت‌های مختلف تاریخی، این استان در طول تاریخ، موجب بروز و ظهور تفکر و اندیشه‌های نوینی در زمینه تغیر و تحولات فرهنگی (تأثیرپذیری) برای مردمان بومی و اقوام مهاجر به این منطقه گردید.

بدون‌شک، هرآنچه را که امروز به عنوان فرهنگ مردمان استان ایلام می‌شناسیم، و یا با آن آشنا هستیم، همان فرهنگ (آداب و رسوم، سنن، عادات و...) چند هزار سال پیش نیست. زیرا همان‌طور که عنوان شد، از خصوصیات اصلی فرهنگ‌ها

انعطاف‌پذیری (تأثیرپذیری)، تغییرپذیری و انتقال یافتن آن از نسلی به نسل دیگر است.

به خوبی می‌دانیم که فرهنگ ما با توجه به ویژگی انعطافی خود، از وسعت و گستردگی

خاصی برخوردار بوده، که همواره از فرهنگ‌های دیگر تأثیر پذیرفته و سعی نموده

جهت تقویت و پربار شدن خود، نکات مثبت فرهنگ‌های دیگر را در خود حل نماید.

از این‌روی، و با ایمان به اینکه هر قوم یا ملتی که دارای یک فرهنگ واحد هستند، از

یک سری ارزشهای مشترک نیز برخوردار بوده، که در فرهنگ آن قوم یا جامعه به

خوبی در رفتارهای فردی، اجتماعی، و... نمایان، و در طی سالیان متمادی و در گذر زمان به شکل نمادین در آمده‌اند. این ارزش‌ها، ناشی از احساس و درک آنچه را بشر در پیرامون خود با آن زیست کرده و به آن آگاهی یافته و نسبت به آن احساس تعلق خاطر و پابندی می‌نماید، می‌باشد.

تاکنون تعاریف و معانی از فرهنگ ارائه شده است، که نمایانگر وسعت قابل توجه مفهوم این واژه می‌باشد. برخی اندیشمندان حوزه فرهنگی، فرهنگ را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «فرهنگ عبارت از رفتار، احساس، اندیشه و آموخته یا پرورانه‌ی افراد یک جامعه، هم‌چنین الگوها یا اشکال آرمان‌های عقلی، اجتماعی و هنری که افراد جوامع بشری در طول تاریخ از خود بروز داده‌اند». با توجه به درک نسبی از مفهوم فرهنگ و اینکه فرهنگ شامل آداب، رسوم، اعتقادات، رفتارها، کنش‌ها و هر آنچه را که انسان در دوران زندگی از خود بروز می‌دهد می‌دانند که از نسلی به نسلی دیگر انتقال یافته، و این انتقال همراه با تأثیری و تسری‌تر است در گذر زمان به خود می‌بیند. با این حال، تعریف «دانیل بیتس و فرد پلاگ» که در کتاب «انسان شناختی فرهنگی» که در سال ۱۹۹۰م به چاپ رسید ارائه داده‌اند، شاید به مفهوم و تعریفی نسبی فرهنگ نزدیک باشد: «فرهنگ به تعبیر گسترده آن، عبارت از نظام مشترکی از باورها، ارزش‌ها، رفتارها و مصنوعات است که اعضای یک جامعه در تطبیق با جهان‌شان و در

رابطه با یکدیگر به کار می‌برند و از راه آموزش از نسلی به نسلی دیگر انتقال می‌یابد». همانطور که آمده است، فرهنگ مجموعه‌ای از اعتقادات، باورها، سنن و... را «چه را که یک قوم در طی زمان به صورت متداول انجام داده و در میان مردمان آن قوم ماندگار و به صورت یک عادت، خود را نشان داده، می‌باشد که به نحوی در زندگی تأثیرگذار بوده است.

در این میان، یکی از میراث‌های با ارزش به جای مانده از پیشینیان و گذشتگان ما، که ریشه در فرهنگ غنی و دیرین این سرزمین مقدس دارند، بازی‌های سنتی، بومی و

محلی است، که هر یک از آنها، حاصل مقتضیات و تجربیات خاص محیط و زمان خود بوده است.

بازیها و سرگرمیها در نخستین نگاه، چیزی جز گذراندن اوقات فراغت و سرگرمی نیستند. در واقع باید گفت که بازیها، مجموعه‌ای از حالات، حرکات، رفتارها و عکس‌العمل در مقابل عوامل و حوادث پیرامون، که در گذر زمان برای مقابله با حوادث یا مشکلات به خصوص برای دفاع بوده، که امروزه و با گذشت زمان رنگ و بوی این چنینی به خود گرفته‌اند، می‌باشند. در واقع هر کدام از این بازیها برگرفته از یک رویداد یا رخدادی در آن زمان و عصر که نشان از آمادگی افراد جهت مقابله با آن حوادث و رویدادها بوده، که با تکرار و پالایش و اضافه و کم کردن حرکات و یا صداها (آواها، اشعار و...) به صورت امروزی در آمده‌اند.

از خصوصیات اصلی فرهنگها، تأثیرپذیری و قابلیت و انتقال آنها است، که این رفتارها در برابر رویدادهای طبیعی یا گذشت زمان، تحول پیدا کرده و می‌کنند. موقعیت جغرافیایی و نیز وضعیت آب و هوایی از نوع تفکر و اندیشه مردمان هر منطقه تأثیر مستقیم دارد، همین عوامل در شکل‌گیری بعضی بازیها، اعتقادات، باورها و... بطور کلی در فرهنگ مردم اثرگذار بوده است.

فرهنگ تشکیل یافته از عناصر مختلفی چون تأثیرپذیری انسان در ارتباط با طبیعت، ارتباطات بین انسانها، ظهور ادیان (که یک سری نوآوریها را در مورد ارتباط انسانها با همدیگر، طبیعت و بطور کلی جهان خلقت، بوجود آوردند) که موجب بوجود آمدن تحولات عمیق در نوع نگرش انسان به زندگی و پیرامون خود می‌باشد. از دیگر عناصر تشکیل دهنده فرهنگ که نقش بسیار نمادین در این خصوص داشته، روی دادن جنگهاست. انسانها را به عکس‌العمل در مقابل این رویداد وا داشت، می‌توان اشاره کرد.

می‌دانیم که یکی از نیازهای بشر انجام بازی یا تحرک فیزیکی برای سلامت جسم و روح بوده و هست. بازیها اعم از جسمی، فکری، و... که متداول‌ترین نوع بازی همان

بازی جسمی و تحرک فیزیکی می‌باشد، که همگان این نوع را به عنوان بازی می‌شناسند تا حدودی شاید مدنظر باشد.

در تعریف بازی، شاید بتوان گفت که هر گونه فعالیت فیزیکی یا فکری چه به صورت فردی یا جمعی در جهت گذراندن وقت، آمادگی جسمانی، تقویت حافظه و هوش، انجام مراسم‌های آئینی، نیایشی، رزمی، و... برای رسیدن به یک هدف را بازی گویند. و یا در تعریف بازی می‌توان به صورت خلاصه عنوان کرد، که هر نوع تحرک یا فعالیت هدف‌دار را بازی می‌نامند.

«اریکسون» در کتاب «بازیها، روانشناسی روابط انسانی»، خود در تعریف بازی آورده است: «بازی یک سه‌تاد^۱ مکمل با هدف نهفته است که تا حصول به نتیجه پیش‌بینی شده و آماده شدن پیش می‌رود و جریان پیدا می‌کند، یعنی، هر بازی یک رشته تبادل مشخص و «البا»^۲ کراره است، با ظاهری قابل قبول و دارای انگیزه‌های پنهانی یا به زبان عامیانه‌تر یک رشته حرکت است با دام یا کلک»^۳.

تمام بازی‌ها در شرایط عادی برگرفته از تأثیرات مهم و سرنوشت‌ساز زندگی افراد در ارتباط با محیط زندگی می‌باشد، که بسیاری از آنها همان‌گونه که آمده، جنبه آموزشی برای حمایت کردن از یکدیگر در برابر حوادث و اتفاقات است. در واقع، بازی به عنوان یک عنصر ضروری حیات و عنصری وابسته به حیات رانی، جسمی و آموزشی

^۱ - تبادل = اگر دو یا چند نفر در یک برخورد اجتماعی با هم درگیر شوند، دیر یا زود یکی از آنها حرفی می‌زند که به گونه‌ای بر حضور دیگری صحنه می‌گذارد. این محرک را تعادل می‌نامیم. آنگاه شخص دیگری متقابلاً حرفی می‌زند، یا به گونه‌ای کاری می‌کند که به نحوی با این محرک ارتباط دارد و ما آن پاسخ را تبادل می‌نامیم.

^۲ - برون، اریک. بازیها، روانشناسی روابط انسانی. ترجمه: اسماعیل فصیح، نشر: البرز، ۱۳۶۹، ص ۲۵.

تلقی می‌شود. نه صرفاً عاملی برای رفع خستگی. می‌توان گفت، بازی، تمرین صورت‌های جدی از زندگی است. در این رابطه و در تعریف و بیان ذات و نفس بازی به چه معناست، سنایی غزنوی می‌گوید: مادران دخترکان خویش را آن روی به عروسک بازی تشویق می‌کنند که آنها را برای پرورش کودک، آمادگی یابند. باید گفت که در هر بازی، اندیشه و خلاقیت، از عناصر پایه و محور اصلی هستند.

به خوبی می‌دانیم که در هر منطقه یا توجه به فرهنگ خاص آن، بازی‌های محلی و معینی انجام می‌شوند که از اقلیم هر منطقه اثر می‌گیرند. به طوری که مناطق کوهستانی، جنگل و کوهی، هر یک بازی‌های مربوط به خود را دارند، که هر بازی محلی و بومی، خود، پیامی دارد که هویت فرهنگی مردم را در قدیم روشن و منتقل می‌کند. این بازی‌های علاوه بر ایند نشاط و شادابی، و سایر جنبه‌های آن (آموزشی، تقویت هوش و ذکاوت، تقویت اعتماد به نفس، ایجاد تعادل و هماهنگی، ...) به معرفی فرهنگ و آداب اجتماعی اقوام متفاوت می‌پردازند که می‌توان به عنوان یک رویکرد فرهنگی به آن توجه کرد. چراکه بخشی از الگوی فرهنگی، به شمار می‌روند.

خوب می‌دانیم که بازی‌ها از نسلی به نسلی دیگر انتقال می‌یابند، و این انتقال همراه با تغییرات قابل توجهی در رفتارها، دیدگاه‌های افراد جامعه است، که از خود نشان می‌دهند. که این عوامل تأثیرگذار و تعیین کننده را باید ناشی از تغییرات احساسی افراد دانست که باعث شده تا هر نسلی در پذیرفتن یا رد، بازی‌ها، وارد علاقه از خود عکس‌العمل نشان دهند و آنها نیز با تغییراتی آن را به نسل بعدی خود انتقال می‌دهند.

به همین خاطر است که بازی‌هایی که در حدود صد تا یک صدویسجاه سال پیش انجام گرفته، دیگر شاید تکرار و یا انجام بسیاری از آنها نباشیم. به عبارت دیگر بازی‌ها، همراه با تغییراتی که در تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... که در درون یک جامعه پیش می‌آید، تغییر می‌یابند که این تغییر و تحولات متناسب با شیوه زندگی جدید جامعه می‌باشد که جای مسائل قبلی را می‌گیرند. چنانکه می‌بینم برخی از بازیهای محلی و بومی با تحولات پیش آمده در اثر رویدادهای بوجود آمده در گذشته،

امروز دیگر جایگاهی در میان مردم برای اجرا و انجام آن وجود ندارد. پس می‌توان ارزش و اهمیت فرهنگی بازی‌ها را در این انتقال آنها از یک نسل به نسل دیگر، و آموزنده بودن آنها، که متأثر از رفتارهای فردی و اجتماعی افراد یک جامعه می‌باشند، دانست که هر بازی خود گویا، و یادآور یک رویداد یا آموخته‌های افراد جامعه در طول حیات خود می‌باشد که با تغییراتی چند به نسل‌های بعدی انتقال می‌یابند، و این نسل نیز با توجه به شرایط و مقتضیات زمان با تغییرات چند، آن را به نسل بعد از خود انتقال می‌دهد، و با ممکن است آن بازی دیگر با شرایط و روحیات افراد در زمان موجود سازگار نباشند، و به طور کامل از زندگی اجتماعی افراد کنار و به دست فراموشی سپرده شود.

ارزش و اهمیت بازی‌های محلی، کمک بسیار مؤثر در شناسایی زیر ساخت‌های مختلف فرهنگی، موقعیت و رویدادهای تاریخی بوجود آمده هر جامعه را در گذشته به افراد و نسل‌های بعدی آن جا می‌آورد. زیرا شکل‌گیری بازی‌ها به نحوی مؤثر با عوامل مختلف تاریخی، سیاسی، اجتماعی، و... مرتبطند. با این همه تفاسیر در مورد شکل‌گیری و تأثیرپذیری و تأثیرگذاری بازی، از زندگی اجتماعی افراد جامعه می‌توان مهمترین کارکرد، هدف و کاربرد بازی‌ها را در موارد زیر خلاصه کرد: برد و باخت - بالا بردن توان مهارت در برابر حملات دشمن - تقویت بهشت - سرعت عمل در انتقال اطلاعات و مفاهیم در هنگام بروز وقوع - آشنایی به امور قتالی، - دوری و حکومت‌داری - روبرو شدن با واقعیت‌های زندگی - جنگ و گریز - تفریت قوای جسمانی - تمرین خانه‌داری برای کودکان و نوجوانان (به خصوص دختران) - پیدا کردن هدف و آموزش برای نبرد با دشمن در شب - حفظ سلامت جسم و روان - ایجاد پیوند و صمیمیت بین افراد جامعه - گذراندن اوقات فراغت - انجام مراسم آیینی، نیایشی - آموزشی بودن در ابعاد مختلف و خاص، و....

نکته قابل توجه که باید به آن اشاره نمود، این است که در گذشته تأثیرپذیری و ارتباط فرهنگ‌ها در مواقع هجوم یک قوم برای تصرف یک سرزمین بوده است. و در صورت

مقلوب شدن آن مردمان در جنگ، و ماندن قوم مهاجم در منطقه مترف شده در سایه فرهنگ آن قوم مهاجم در منطقه و تحمیل فرهنگ خود به قوم مقلوب، به سوی نابودی پیش می‌رفتند. مثالهای فراوان در تاریخ اقوام و فرهنگ‌هایی که در نتیجه این حادثه تلخ تاریخی نابود شده‌اند، وجود دارد. اما، امروز وضع به کلی فرق کرده است، فرهنگ‌ها به راحتی در معرض هجوم و نابودی قرار می‌گیرند. عصر ارتباطات و تکنولوژی این مهم را آسان نموده و با در اختیار داشتن تکنولوژی و امکانات بهتر، به راحتی می‌توان در غنی‌ترین و پربارترین فرهنگ‌ها نفوذ کرد. و هر نوع رفتار مثبت و منفی را به فرهنگ دیگران حمل نمایند.

امروز کشورهایی که وجود امکانات پیشرفته تکنولوژی و بی‌بهره و یا با موانع مختلف مواجه هستند محکوم به نابوده و حتماً پذیرفتن فرهنگ‌های پیش‌پا افتاده نیز می‌باشند. پس نباید نسبت به این واقعیت بی‌توجه بود. امروز با این مسئله مهم مواجه هستیم و اگر دیر بجنبیم محکوم به نابودی می‌باشیم.

باید با تفکر و اندیشه‌ی باز عمل کنیم. حلال و نه‌آور باشیم. اگر آگاهانه چشمان خود را به این هجوم غیرقابل دفاع ببندیم، سمت و سیمت باشیم که با چشمان بینا به اعماق تنگ و تاریک دره‌های نابودی و فراموشی سقوط خواهیم کرد. چه بسا در صورت مکتوب نبودن فرهنگ شفاهی خود، جایی در تاریخ نداشته باشیم.

ما امروز فرصت آن‌چنانی برای حفظ و مکتوب نمودن فرهنگ شفاهی خود نداریم، به اعتقاد بسیاری از کارشناسان مسائل فرهنگی، فقط بیست سال فرصت داریم که این کار را انجام دهیم، و گرنه با توجه به حرکت سریع و پیشرفته تکنولوژی، دیگر کاری از پیش نخواهیم برد، و همه چیز در ورطه‌ی فراموشی غرق خواهد شد. اگر نجنبیم، دیگر از فرهنگ احساس، عاطفه، و... اثری نخواهد بود. در واقع، بازی‌های بومی و محلی، گنجینه‌هایی از فرهنگ و هویت فرهنگی، تاریخی و اجتماعی ما به شمار می‌آیند که اگر دیر بجنبیم به تاریخ خواهند پیوست.

وظیفه خود را به عنوان یک پژوهشگر مسائل فرهنگی و تاریخی می‌دانم که در این مسیر گام نهم و به نسل‌های آینده خود ادای دین نمایم. پس برای حفظ و جلوگیری از حذف و نابودی فرهنگ اصیل خود کوشا باشیم.

خوشبختانه استان ایلام به عنوان بخشی از سرزمین پُرگهر ایران‌زمین، میراث‌دار فرهنگ دیرینی است، که مردمانش این فرهنگ اصیل را در کوران حوادث سخت روزگاران حفظ کرده‌اند، و همواره در راه اعتلا، اشاعه و غنی کردن هر چه بیشتر آن کوشیده‌اند. و این امید را در دل پژوهشگران زنده نگه داشته، که می‌توان آن فرهنگ غنی دیرین را در رفتارهای عادی به مردم مشاهده نموده، و فرصت کافی را برای مکتوب نمودن این فرهنگ شفاهی در اختیار داشته باشند.

علی‌رغم وجود لهجه‌های مختلف زبان کُردی، طوایف و تیره‌های متعدد و فراوان در استان ایلام، شرایط به گونه‌ای است که فقط در بعضی موارد تفاوت جزئی دیده می‌شود. به‌طور کلی مردمان استان ایلام، دارای فرهنگی یک‌دست و مشترک در ابعاد مختلف، که آنها را به سمت و سوی واحدی واریا داشته که مهمترین نقطه قوت مردم استان است.

زبان به عنوان طلایه‌دار فرهنگ هر جامعه که باعث انتقال و درک مفاهیم بوده، که به عنوان یکی از عنصرهای اصلی این همگرایی در استان ایلام به چشم می‌خورد. زبان کُردی که از گستردگی و تنوع لهجه‌ای و فراوانی واژه‌ها برخوردار است، باعث شده تا مردمان هر منطقه در استان ایلام، لهجه‌ای خاص به کار ببرند. به عنوان مثال، می‌توان بازی‌هایی را که در استان مشترک هستند، به اسامی مختلفی مشاهده نمود.

بازی‌های سنتی بومی و محلی به عنوان یکی از واحدها و اجزای اصلی فرهنگ مردمان استان ایلام، که از تنوع فراوانی برخوردار هستند، نشان از تحرک و جنب و جوش زیاد مردم بوده، که با توجه به موقعیت جغرافیایی و تنوع آب و هوایی منطقه و اینکه این دیار کهن از دیرباز مورد هجوم حملات دشمنان قرار داشته، و علی‌رغم این حوادث تلخ روزگار، علاوه بر ماندگاری، تنوع این بازی‌ها نشان از غنی شدن آنها دارد.